

ضرورت بحث اربعین

<?xml encoding="UTF-8">

یکی از مهم ترین راه های مبارزه با تحریف و دروغ پردازی در بیان واقعه کربلا تبیین و تحلیل صحیح و فنی این حادثه است و تنها در صورت روشن شدن مرز بین دروغ و واقعیت است که بحث های آموزنده اخلاقی و تربیتی آن معنا پیدا می کند.

بررسی دقیق این مسئله، مستلزم ارائه نگرشی صحیح از مدت اقامت آل ... (ع) در کوفه و شام، ترسیم مسیر حرکت از کوفه به شام و از آنجا به مدینه، زمان و چگونگی دفن سر مقدس سیدالشهداء (ع)، تعیین تاریخ و چگونگی زیارت جابر بن عبدل... انصاری از کربلا و ... است.

ریشه اختلافات در چیست؟

اساس و ریشه اختلاف های موجود در بیان حادثه کربلا را باید در عظمت بی مانند واقعه و در نتیجه، مبهوت ماندن گزارشگران نخستین، سعی دشمن در سانسور و تحریف، کمبود وسایل اطلاع رسانی دقیق و صحیح در آن زمان، بی دقتی و اشتباه های راویان و نویسندگان و ... جست وجو کرد. «

روش بررسی گزارش های تاریخی

نویسنده تأکید دارد که باید در بررسی روایت های تاریخی این نکات را در نظر داشت:

1. همه منابع نخستین در اختیار نویسندگان کتاب هایی همچون ارشاد و ... نبوده است.
2. چه بسا اگر به متنی هم دسترسی داشته اند، هنگام نگارش از مراجعه به آن غفلت ورزیده اند.
3. مرحوم مفید در ارشاد و نیز دیگران، از شیوه گزینشی استفاده کرده اند؛ یعنی روایت هایی را برگزیده اند که هم آنها را مهم می دانسته اند و هم از راوی و یا راویان نخستین، سند داشته باشند؛ پس صرف نیامدن یک گزارش در کتاب هایی مثل ارشاد و ... دلیل بر سستی آن نخواهد بود.

پیام رسانی در گذشته های دور

نویسنده، به جهت ارائه فهم صحیحی از سرعت حرکت کاروان، به معرفی مفهومی به نام «برید» می پردازد. یکی از راه های پیام رسانی در صدر اسلام استفاده از اسب سوارانی چالاک و تیزپا به نام «برید» بوده است. برید و چاپار سرعت خیره کننده و شگفت آوری داشته، به گونه ای که گفته اند: «هیچ جنبنده ای از آن سریع تر حرکت نمی کرده تا آنجا که «دُرنا» نیز نمی تواند به سرعت چاپارها حرکت کند و اگر این، گفته ای اغراق آمیز باشد، مسلم است که کسی نمی تواند به سرعت چاپارها مسافرت کند.

نمونه هایی از سرعت سیر در مسافرت های گذشته

کاروان های همراه مسافر و بار، حتی با مرکب های غیربرید، مسیرهای طولانی تری را در یک روز طی می کرده اند. بسیاری از مورخان نوشته اند: «حضرت سیدالشهداء (ع) به همراه اهل بیت (ع) و یارانش، روز یکشنبه 28 رجب سال شصت هجری، از مدینه خارج و در شب جمعه، سوم شعبان، وارد مکه شدند.» 1 همین طور گفته اند: «فاصله این دو شهر، 86 فرسنگ بوده» 2 نیز نوشته اند: «بین این دو مکان مبارک، 10 منزل قرار داشته است.» 3 آن گونه که از سفرنامه «رفعت پاشا» برمی آید: «او این راه را در چهارده روز پیموده است.» 4 روشن است طی کردن مسیری که به صورت معمولی حداقل 10 روز وقت می طلبد، در مدت چهار یا پنج روز، به دلیل در امان ماندن از یزیدیان و فرار از بیعت بوده است.

نویسنده، در ادامه برای تقطیع زمان ها و دستیابی منطقی به زمان چهل روزه بعد از دهم محرم 61 هجری تا بیستم صفر به تقطیع فواصل مکانی می پردازد. به این صورت که:

1- مدت سفر از کربلا تا کوفه

2- مدت اقامت در کوفه

3- مدت سفر از کوفه تا دمشق (شام)

4- مدت توقف در دمشق

5- مدت سفر از دمشق تا کربلا

6- مدت سفر از کربلا تا کوفه

اهل بیت (ع) را بعد از ظهر روز یازدهم محرم، از کربلا به سمت کوفه حرکت دادند. 5 مرحوم مفید می فرماید: «فردای روزی که سر مقدس را به کوفه وارد کردند، کاروان اهل بیت (ع) به آن شهر رسیدند.» 6 کاروان هنگامی که به دروازه کوفه رسید دروازه شهر را بسته دید.

اکنون به سخنان شیخ مفید برمی گردیم که فرمود: «فردای روز ورود سر مبارک به کوفه، اسیران را وارد کوفه نموده و در مجلس ابن زیاد حاضر ساختند.» بنابراین تاریخ ورود آل ... (ع) به شهر کوفه، روز دوازدهم بوده است.

مدت توقف آل ... (ع) در شهر کوفه

پیش تر اثبات کردیم که روز ورود اسیران به کوفه، روز دوازدهم محرم بوده است و در وضعیتی که با توجه به زندانی بودن آل ... (ع) و ندامت مردم کوفه، هر آن احتمال برپایی انقلاب و شورش مردمی می رود بسیار طبیعی است که ابن زیاد برای حرکت دادن اسیران و سرهای شهیدان عجله داشته باشد. حال اگر این حقیقت را اضافه کنید به اینکه هیچ مدرک معتبری نداریم که اهل بیت (ع) را حداکثر بعد از بیستم محرم هم در کوفه نگاه داشته باشند، پس باید زمان خروج آل ... (ع) را بین هجدهم 7 تا حداکثر بیستم 8 محرم دانست.

مدت سفر از کوفه تا دمشق (شام)

قبل از پرداختن به مدت زمان سیر کوفه تا شام، به بیان شیخ مفید 9 مبنی بر اینکه سرهای شهداء زودتر از کاروان به شام فرستاده شده است، پاسخ داده می شود. وی می گوید: «با مراجعه به تاریخ درمی یابیم که در مسیر کوفه به دمشق سرهای شهیدان همراه با کاروان اسیران حرکت داده می شده، بلکه از برخی منابع معتبر برداشت می شود که از همان هنگام حرکت از کوفه نیز به همراه هم بوده اند.» 10

در مورد نوع مرکب کاروان دو نظریه مطرح است. دیدگاه نخست، نظری مرحوم عمادالدین طبري 11 است که کاروان اهل بیت با چارپایان خود، کوفه تا شام را سفر کردند و دیدگاه دوم که نویسندگان آن را نظریه صحیح می داند و دیگری نظری مرحوم آیت ا... قاضی است که مرکب آنها را همان مرکب برید می داند. 12 روشن است که کوفیان فاتح! می خواستند هرچه زودتر به دمشق برسند و این خبر مسرت آور! را به یزید پلید برسانند. به علاوه، چون احتمال شورش هم داده می شد، از این رو باید اسیران را بر مرکب هایی سوار کنند که بتوانند در موقع لزوم از معرکه فرار کنند.

نویسنده درباره مسیرکاروان می گوید: «در هیچ مدرک معتبری، مسیر دقیق حرکت قافله اسیران تبیین و ترسیم نشده است»، اما باید این نکات مهم را نیز از نظر دور نداشت:

سرهای مقدس شهیدان، همسفر اسیران بوده است و در برخی از شهرها، مکان هایی به نام «مشهد رأس الحسین (ع)» مشاهده می شود و این تسمیه از آن روست که در مسیر حرکت، مدتی سر مقدس در آنجا قرار داشته و چه بسا کرامتی از آن ظاهر شده است. در نتیجه باید اعتراف کنیم که قافله اسیران نیز از این شهرها عبور کرده اند.

با در نظر گرفتن مخالفت هایی که با حکومت یزید شروع شده بود، تغییر مسیر دادن و گاهی از بیراهه رفتن قابل توجیه است.

ما هرگز نمی توانیم با گزارش هایی که مبتنی بر توقف کاروان در بین راه، بیش از آنچه برای استراحت نیاز بوده، موافقت کنیم، زیرا؛

اولاً: در هیچ منبع کاملاً معتبری به آن اشاره نشده است.

دوم: عجله دشمن برای رسیدن به دمشق بسیار طبیعی و قابل توجیه است.

و مهم تر اینکه؛ باید حرکت قافله را به گونه ای ترسیم کرد که آنها روز اول صفر در دمشق حاضر باشند.

مدت توقف در دمشق

محبوس بودن اهل بیت (ع) برای مدتی در خرابه و یا زندانی که آنان را از سرما و گرما محفوظ نمی داشت، مسلم است. 13

آن گاه که یزید پلید از شعله ور شدن آتش خشم مردم و تزلزل ارکان حکومت نامشروعش هراسان شد، دستور

داد اهل بیت (ع) را از زندان آزاد کنند و در بخشی از کاخ خود استقرار دهند. 14

تمام مدت اقامت آن بزرگواران در شهر دمشق، شش یا هفت روز بیشتر نبوده است و آنان حداکثر هشتم صفر، آنجا را ترک کرده اند.

جابر اولین زائر حسینی

اصل تحقق زیارت جابر، مسلم است برخلاف سید بن طاووس که می فرماید: «چگونه ممکن است جابر پس از گذشتن مدتی که خبر شهادت به مدینه رسیده است، از آنجا حرکت کند و این مسیر طولانی را طی کند و در روز اربعین در کربلا باشد؟» 15

نویسنده در پاسخ به این استبعاد سید می گوید:

اولاً: جناب جابر از دوستداران مخلص اهل بیت (ع) بوده و طبیعی است در همان روزهای نخستین با توجه به

گزارش های غیررسمی (که به آن اشاره کردیم) جزو گروهی باشد که از ماجرا آگاه شده و بار سفر را بسته باشد. در این صورت زمان برای رسیدن به کربلا بسیار زیاد است.

ثانیاً: گفتیم پیک رسمی دستور داشت خود را سریع به مدینه برساند، پس حتی اگر جابر پس از انتشار خبر به صورت رسمی هم حرکت کرده باشد، باز به خوبی می توانست به کربلا برسد.

ثالثاً: حتی اگر بر فرض بپذیریم پیک، 24 روز پس از شهادت به مدینه رسید و بر فرض بپذیریم که جابر تا آن موقع حرکت نکرده باشد، باز پیمودن مسیر حدود بیست مرحله ای، در حدود چهارده روز، در آن زمان امری مرسوم بوده و ابدأ بعید نیست. «

نویسنده در ادامه راز زیارت اربعین و تأکید امام سجاد (ع) و کاروان اهل بیت (ع) بر آن را دانسته نه تأسی به اولین زائر حسینی که جابر باشد.

مدت سفر از دمشق تا کربلا

کاروان اهل بیت (ع) پس از توقف حداکثر هفت روزه در دمشق و آزاد شدن از قید اسارت، به همراهی نعمان بن بشیر به سوی مدینه الرسول (ص) حرکت کردند. 16

طول مسیر دمشق - مدینه

با نگاهی به نقشه پی خواهید برد که راه مستقیم شام (سوریه) به حجاز (عربستان)، هرگز از عراق عبور نمی کند و این دو مسیر قدر مشترکی ندارند که با دوراهی از یکدیگر جدا شوند، ولی در عین حال باید در نظر داشت اگر کسی به قصد حجاز و شهر مدینه از دمشق خارج شد و مقدار زیادی هم سیر کرد، ولی بعد تصمیم او عوض شد و خواست به عراق و شهر کربلا برود، به طور قطع این شخص مجبور نیست، همه مسیر را دوباره برگردد و از دمشق به عراق برود.

جمع بندی گزارش ها درباره مسیر دمشق (شام) تا مدینه

درباره مسیر شام تا مدینه هفت دسته روایت و گزارش متفاوت وارد شده که جمع بندی آنها به این صورت است: از آنجا که دسته اول درباره همه حوادث و وقایع بین راه و نیز تاریخ ورود به مدینه ساکت است، پس هیچ گونه تعارضی با بقیه روایات ندارد.

از دسته دوم روایات استفاده می شود که آل ا... (ع) روز بیستم صفر وارد شهر مدینه شده اند. نهایت این است که در کلام این دو بزرگوار، دو احتمال داده می شود: یکی اینکه اهل بیت (ع) در روز بیستم از دمشق به سوی مدینه خارج شده باشند و دوم اینکه، آنان در این روز وارد مدینه شده باشند، در این صورت عبارت مجمل می شود و دیگر هیچ کس توان استشهاد به آن را نخواهد داشت.

اما دسته سوم تا ششم؛ نه تنها هیچ گونه تعارضی بین این روایات نیست، بلکه هر یکی مکمل و مؤید دیگری است و نتیجه مجموع اینها چنین است: امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) و نیز به همراهی سر مقدس پدر از دمشق خارج شدند و امام سجاد (ع) در همان روز سر مبارک پدر را به بدن ملحق ساخت و در همین سرزمین با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند. 17

و اما دسته هفتم که می گویند سر مقدس حسین (ع) به همراه اهل بیت (ع) به مدینه برده و پس از آن به بدن

ملحق شد؛ این گزارش به طور اساسی پذیرفتنی نیست.

دو عامل مؤثر در سرعت سیر

به نظر ما دو عامل بسیار مهم در سرعت سیر اهل بیت (ع) دخالت داشته است:

- 1- آن داغدیدگان هنوز مزار شهیدان خود را زیارت نکرده بودند و آزادانه در کربلا مجلس سوگواری تشکیل نداده بودند. حال که خود می توانستند مسیر کاروان را تعیین کنند، دل آنها برای رسیدن به کربلا پر می زد. مهم تر اینکه راز اصلی استحباب زیارت اربعین، در خود عدد چهل نهفته است.
- 2- دومین محرک برای عجله داشتن و سرعت در سیر، این بوده که باید هر چه زودتر این سر به بدن ملحق شود، چرا که قطعاً مسامحه در این امر، جسارت به سر مطهر خواهد بود.

حرکت شبانه

به گفته مورخان، یزید به «نعمان بن بشیر» (کاروان دار) دستور داد، شبانه حرکت کنند. 18

این دستور یزید چند علت داشته است:

- 1- یکی اینکه با تظاهر به مهربانی بگوید: «آنها شب ها حرکت کنند تا پس از این همه رنج و مشقت، از گرمای روز در امان باشند.»
 - 2- دیگر آن که در مناطقی که اکثریت با حامیان بنی امیه بود (بیشتر محدوده شام شامل عده ای بود که از موضع جدید یزید آگاه نبودند) به کاروانیان جسارت نورزند که نتیجه این عمل، تشدید خشم محبان اهل بیت (ع) و در نتیجه، سست تر شدن حکومت او بود.
 - 3- حرکت شبانه و آرام در محدوده کربلا - مدینه با حال و وضع آل ا... (ع) سازگارتر بود، چون چندان عجله ای نداشتند، علاوه بر اینکه به این وسیله، کاروان از حرارت خورشید و گرمای روز آسیبی نمی دید. نتیجه مطالب فوق، این است که می پذیریم حرکت کاروان تا آن هنگام که در شام حرکت می کردند، شبانه بوده و قبول می کنیم قافله در مسیر بازگشت از کربلا به مدینه، شبانه حرکت کرده است.
- اهل بیت (ع) دیگر اسیر نبودند که فقط کاروان دار تصمیم بگیرد، بنابراین هیچ مانعی نیست که بگوییم از آن هنگام که پیشنهاد رفتن به کربلا مطرح شد، در روز هم حرکت می کردند تا هر چه سریع تر به آرزوی خود، یعنی زیارت مرقد شهیدان برسند و هر چه سریع تر سر امام را به بدن ملحق سازند.

بررسی اشکال ها

چکیده همة این اخبار این است که امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) و سر نورانی سیدالشهداء (ع) و به گفته ابن اعثم در فتوح و دیگران، سرهای دیگر شهیدان را نیز با خود بردند. از دمشق خارج شدند و در مسیر بازگشت، پیش از آنها همان روز، گروهی اندک از جمله جابر بن عبدالله انصاری به همراه عطیه برای زیارت آمده اند، آن گاه همگی به مزار شهیدان رفتند و به سوگواری جانسوزی پرداختند و در همان روز امام سجاد (ع) سر پدر را به بدن ملحق ساخت. جابر و عطیه، همان روز کربلا را به سمت کوفه ترک کردند، اما خاندان داغدیده، چند روزی در آن سرزمین ماندند و مجلس سوگ تشکیل دادند و در مجلس عزاداری آن بانوان محترم، زنان روستاهای اطراف هم حاضر شده و همنا با آنان گریستند.

اشکال نخست اهل بیت (ع) خود تصمیم گیرنده نبوده اند و باید رضایت یزید برای حرکت سمت به کربلا جلب شود و با خبث طینتی که در این پلید سراغ داریم، گمان نمی رود او این اجازه را به آنان داده باشد.

پاسخ

ما در جواب، سه گزینه مطرح می کنیم:

گزینه اول: خود یزید پیشنهاد رفتن به مدینه از سمت عراق را داده باشد و احتمال قوی هم می داده که در این صورت، اهل بیت (ع) به کربلا خواهند رفت. در توجیه این احتمال می گوییم: چه مانعی دارد یزید که پایه های حکومت نامشروع خود را سست و ویران می بیند، چنین دستوری بدهد تا بتواند با مهربانی ظاهری با خاندان نبوت از بی اعتمادی مردم بکاهد؟

گزینه دوم: پیشنهاد اصلی رفتن از مسیر دمشق - عراق - مدینه، از طرف خود اهل بیت (ع) مطرح شده باشد و یزید هم می داند که این پیشنهاد به منظور رفتن به کربلاست، ولی باز موافقت می کند؛ به همان دلیلی که در گزینه پیشین اشاره کردیم.

گزینه سوم: اهل بیت (ع) به صورت طبیعی از دمشق در جاده دمشق - مدینه، به حرکت درآیند و در بین راه تصمیم خود را نسبت به رفتن به عراق و آن گاه کربلا مطرح سازند. یعنی در دمشق به طور کلی صحبتی از رفتن به عراق و کربلا در میان نیامده باشد.

اشکال دوم کاروانی که در آن بانوان و کودکان، خسته و زجر کشیده بودند، کاروانی که با نهایت احترام و وقار حرکت می کردند، کاروانی که شبانه سیر می کردند، اگر در مسیر مستقیم دمشق - کربلا هم به راه افتاده باشند، اگر هر شب هشت فرسنگ راه بروند، 22 روز باید بگذرد تا به مقصد برسد، آن گاه چگونه روز بیستم صفر در کربلا باشند؟

پاسخ

در جواب این ایراد باید گفت: کاروانی که از هر لحاظ بسیار مجهز بوده، کاروانی که محافظانی داشته و مصیبت دیدگانی که هنوز آلام آنها تسکین نیافته و آنچه آرامش نسبی به آنها می دهد، زیارت مرقد امام حسین (ع) است، قافله ای که سر مقدس حسین (ع) را همراه دارد که باید هرچه زودتر آن را به بدن ملحق سازند، بزرگوارانی که می خواهند هر چه سریع تر به فیض بی مانند زیارت اولین اربعین برسند، قافله ای که دیگر اسیر نیست و خود می تواند تصمیم بگیرد، اگر هم بر فرض همه مسیر را شبانه حرکت کرده باشند، این چنین کاروانی از هر مسیری که برود به خوبی می تواند خود را روز اربعین به کربلا برساند و چنان که همین قافله مسیر 10مرحله ای مدینه - مکه را به نصف تقلیل داد، اینجا هم می تواند چنین کند.

اشکال سوم اگر عطیه که به همراه جابر بوده، امام سجاد (ع) را ملاقات کرده، چرا تنها به ذکر کلمات جابر به هنگام زیارت می پردازد، ولی هیچ گونه اشاره ای به نحوه خواندن زیارت از طرف امام نمی کند؟ آیا حق این نبود که عطیه، این مطلب مهم را هم می گفت؟ و چون چنین چیزی در گزارش عطیه نیست، پس باید گفت او امام سجاد (ع) و اهل بیت (ع) را ملاقات نکرده است.

پاسخ:

باید توجه کرد در روز اربعین نخست جابر و عطیه وارد شدند و زیارت کردند و آن گاه خاندان نبوت وارد شدند؛ از

این رو عطیه گزارش زیارت جابر را نقل کرده است؛ اما پس از آنکه اهل بیت (ع) داغدار وارد شدند و پس از آنکه بر اساس گفته مرحوم سید در مصرع و مقتل شهیدان به سوگواری عمومی مشغول شدند، بسیار طبیعی است که نامحرمان از جمله جابر و عطیه به کناری بروند تا بانوان داغدیده و رنج کشیده بهتر بتوانند زیارت و سوگواری کنند و در این هنگام بوده که امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) به زیارت و سوگواری خانوادگی پرداخته اند و عطیه حاضر نبوده تا گزارش کند.

توضیح:

در کتاب «ثارالله» هفت اشکال بررسی شده است که در اینجا به سه اشکال عمده آن پرداخته شد.

فرجام سخن

نتیجه اینکه اهل بیت (ع) بزرگوار امام حسین (ع) در مسیر بازگشت از شام به سوی مدینه در روز اربعین سال 61 هجری (اولین اربعین) وارد کربلا شده اند و همه احتمال های سست و بی مدرکی که گروهی ادعا کرده اند از جمله:

- 1- ورود اهل بیت (ع) در اربعین سال 62 بوده است. 19
 - 2- ورود آنان در اربعین سال 61 بوده است، منتها قبل از رفتن به شام 20
 - 3- ورود آنان در اربعین دوم یعنی چهل روز دوم (80 روز بعد از عاشورا) بوده است که مرحوم قاضی این احتمال را از بعضی نقل کرده و آن را رد می کند. 21
- و ... احتمال های دور از ذهن و غیرمستند دیگر، قطعاً و جزماً مردود و باطل است، بلکه دوباره می گوییم حتی اگر دو کتاب شریف «ملهوف» و «مثیر الاحزان» را نداشته باشیم، باز می شود با استناد به مدارک محکم دیگر، این مطلب را اثبات کرد.

پی نوشت ها :

1. الارشاد، ج 1، ص 34 و 35. اریخ الطبری، ج 5، ص 341 و 381
2. نزهة القلوب، ص 169
3. مسالک الممالک، ص 27
4. مرآة الحرمین، ص 395 و 409
5. الارشاد، ج 2، ص 114؛ الملهوف، ص 189 و تاریخ الطبری، ج 5، ص 455
6. الارشاد، ج 2، ص 114
7. اربعین الحسینیة، ص 255
8. تحقیق درباره اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، ص 37
9. الارشاد، ج 1، ص 119
10. الکامل فی التاریخ، ج 4، ص 83 و 84؛
11. کامل بهایی، ج 2، ص 291
12. تحقیق درباره اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، ص 109 و 110

13. امالى (شيخ صدوق)، ص167، اللهوف، ص 219، بصائر الدرجات، صص338 و 339
14. الكامل فى التاريخ، ج 4، ص 86، تاريخ الطبرى، ج 5، ص 462، البدايه
15. اقبال الاعمال، ص 589
16. تاريخ الطبرى، ج 5، ص 462، الارشاد، ج 2، ص 122 و الكامل فى التاريخ، ج 4، ص 87 و ص 88
17. تاريخ حبيب السير، ج 2، ص 60، الملهوف، ص 225 و مشير الأحزان، ص 157
18. الارشاد، ج 2، ص 122 و روضه الواعظين، ص231
19. قمقام زخار، ج 2، ص586
20. ناسخ التواريخ، ج 6، ص354
21. تحقيق درباره اربعين حضرت سيدالشهداء، صص 195 و 196